پژوهش نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صص ۲۸۳ـ۳۱۶ (مقاله پژوهشی)

No. 27, Autumn & Winter 2020/2021

جستاری در نظریه فقرزدایی قرآن و روایات بر مبنای پژوهش زمینه‌ای

ابراهیم یاقوتی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۸/۷ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۹/۹)

چکیده

فقر به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مسایل اجتماعی، توجه مردم، اندیشمندان و مکاتب بشری و دینی را به خود جلب کرده است. مکتب الهی اسلام نیز توجه ویژه ای به این پدیده اجتماعی نشان داده است. این پژوهش جستاری است در نظریه فقرزدایی قران و روایات که به شیوه پژوهش زمینه ای به انجام رسیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد از دیدگاه قران و روایات فقر یک پدیده نامطلوب اجتماعی است که با دلایل فردی و اجتماعی نیازمند مبارزه و تلاشی همه‌جانبه تلقی شده است. در نظریه فقرزدایی قران و روایات به دو دسته علت‌های فردی و اجتماعی در ایجاد فقر اشاره شده است. نظریه اسلام همچنین به شرایط زمینه ای و عوامل مداخله گری می‌پردازد که با دخالت در توزیع عادلانه ثروت در جامعه و کاهش انگیزه‌های تلاش برای کسب روزی به تشدید فقر در جامعه منتهی می‌شود. لذا اسلام برای کنترل فقر و فقرزدایی در جامعه راهبردهایی فردی و اجتماعی ارائه نموده است. نظریه فقرزدایی اسلام به پیامدهای فقر در جامعه نیز شامل پیامدهای اجتماعی، اخلاقی، روانی و دینی می‌پردازد. این نظریه در مقایسه با پنج نظریه اصلی فقر یعنی نظریه آسیب شناسی اجتماعی، نظریه فرهنگ فقر، نظریه شکست سیاستها، نظریه محدودیتهای ساختاری و نظریه کارکردگرایی برتری‌های نظری و قابلیت عملیاتی دارد.

کلید واژه‌ها: قرآن، فقر، روایات، فقرزدایی، نظریه، پژوهش زمینه‌ای

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
Yaghouti2010@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

۱ـ بیان مساله

دوگانه فقر و غنا به عنوان داستان همیشگی طول تاریخ به برخوردار نبودن فرد یا گروه از دارایی‌ها، درآمد و خدمات عمومی تلقی شده است. در تعریفی دقیق‌تر و با معیار کمی، فقر وضعیت مربوط به داشتن درآمدی پایین‌تر از سطح یک پنجم، در نظام توزیع درآمد و یا وضعیت مربوط به داشتن درآمدی ناهمساز با هدف‌های ملی یک جامعه تعبیر شده است. فقر را می‌توان محصول نهایی نابرابری‌های اجتماعی و حاصل فرایند انسداد اجتماعی که از قدرت، سلطه و اقتدار سرچشمه می‌گیرد، به شمار آورد. فقرا نیز گروه‌هایی از شهروندان هر جامعه‌اند که بر اساس معیارهای فرهنگی و مصرفی و نیز کیفیت زندگی اجتماعی، در سطحی پایین‌تر از حداقل قابل قبول قرار داشته و به همین اعتبار محروم و نیازمند حمایت به شمار می‌آیند (زاهدی، ۵۵).

بنابر گزارش برنامه توسعه ملل متحد، حدود یک‌چهارم جمعیت جهان در فقر مطلق به سر می‌برند و نزدیک به ۸۰۰ میلیون نفر غذای کافی برای خوردن ندارند (فیتزپتریک، ۱۸۱).

به رغم تظاهر نظام‌های سیاسی جهان در مقابله با فقر، برخی اندیشمندان و متفکران اجتماعی در نقد سیاست دوران معاصر معتقدند این سیاستها به جای آنکه به فکر حذف شرایط برانگیزنده فقر باشد، درصدد حذف فقیران است. زیگمونت باومن و تامس مور از جمله این اندیشمندان هستند (فیتزپتریک،۱۳-۱۴). این پژوهش مدعی است که بر خلاف مکاتب بشری، مکتب اسلام برای حل فقر به عنوان یکی از مسایل و مشکلات اجتماعی، رویکرد نظری جامعی با قابلیت علمیاتی شدن ارایه نموده است که محوریت آن، نه حذف فقرا، بلکه مقابله با ذات فقر با شناسایی ریشه ها، بسترها و عوامل مداخله گر آن است.

مکتب اسلامی بر اساس همین رویکرد از همان ابتدا محوریت خود را در برتری انسانها نه ثروت و طبقه اجتماعی و تمایزات اجتماعی مانند جنسیت، نژاد، و قومیت بلکه تقوای الهی قرار داده است (الحجرات، ۱۳[۱]). این مساله موجب شد، مکتب اسلام فارغ از میزان

---

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

داشته‌های مادی و تمایزات اجتماعی برای تمامی طبقات اجتماعی جذابیت داشته باشد. هرچند رویکرد اسلام به فقرا تکریم انسانها فارغ از میزان سرمایه مادی آنهاست؛ اما فقر پدیده‌ای منفی تلقی می‌شود که باید چهره جامعه را از آن زدود. بر این اساس در این پژوهش قرانی و روایی قصد داریم به مدد آیات قرانی و روایات معصومین، نظریه فقرزدایی اسلامی را از منظری نو جستجو کنیم. این جستار تلاشی است در راستای پاسخگویی به پرسش‌های زیر:

ـ براساس آیات قران و روایات چه تعریفی از فقر می‌توان ارائه نمود؟

ـ براساس آیات قران و روایات شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر فقر کدامند؟

ـ براساس آیات قران و روایات راهبردهای فقرستیزی و فقرزدایی در ابعاد فردی و اجتماعی کدامند؟

ـ براساس آیات و روایات فقر چه پیامدهایی در زندگی فردی و اجتماعی به همراه دارد؟

ـ نظریه فقرزدایی قران و روایات چه شباهت‌ها و تمایزاتی با نظریه‌های اجتماعی متداول فقر دارد؟

۲ـ مقدمه

در این پژوهش چندین سوال کلیدی مطرح شده است که برای دستیابی به آنها و در مجموع نظریه فقرزدایی قران و روایات، از روش کیفی "نظریه مبنایی[1]" استفاده شده است. در روش نظریه مبنایی، فرایند نمونه گیری، گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها جدا از یکدیگر نیستند (استراوس و کوربین[2]، ۱۳۹۵). نظریه مبنایی معمولاً بر تفسیر مداوم، بین تحلیل و داده‌ها تأکید می‌کند، زیرا هدف، استخراج نظریه‌ای برمبنای داده‌های موجود یا جمع آوری شده است. این فرایند در برگیرنده یک طرح هدایت شده به وسیله داده ها است و هدف اصلی، ایجاد مفاهیم نظری از داده و جستجوی مفاهیم مرکزی[3] است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰).

1. Grounded Theory
2. Strauss & Corbin
3. core concepts

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

در این تحقیق، آیات و روایات مرتبط با مساله فقر گردآوری شده است. تحلیل محتوای آیات و روایات گردآوری شده، طی فرایندی منظم و درعین حال مداوم از مقایسه داده‌ها بود و برای این کار از فرایند سه مرحله‌ای کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شد:

کدگذاری باز؛ پس از گردآوری آیات و روایات مرتبط با فقر بر اساس روش پیشنهادی استراوس و کوربین (۱۳۹۵) و گلدینگ[1] (۲۰۰۲)، کدگذاری باز، صورت گرفت. به این صورت که کدهای آزاد، شناسایی و به اجزای کوچکتری تقسیم و در یک فرایند مقایسه مستمر، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی شده و رویدادهای مشابه در یک گروه طبقه‌بندی شدند.

کدگذاری محوری؛ در این مرحله کدها و دسته‌های اولیه که در کدگذاری باز آیات و روایات مرتبط با فقر ایجاد شده بودند، با یکدیگر مقایسه شدند و ضمن ادغام کدهایی که از نظر مفهومی با یکدیگر مشابه و دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط بودند، حول محور مشترکی قرار گرفتند. همچنین در این مرحله، ابعاد پارادایم کدگذاری شکل گرفت که شامل شش دسته: پدیده اصلی (مقوله محوری)، شرایط علّی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای فقر بود.

کدگذاری انتخابی؛ در این مرحله نظریه فقر زدایی قران و روایات از روابط فیمابین مقوله‌های کدگذاری محوری به نگارش در آمد. این نظریه شرحی انتزاعی برای پیامدها، راهبردها، شرایط علّی، شرایط مداخله گر، و شرایط زمینه‌ای ارائه داده است. در این مرحله مقوله‌های استخراج شده براساس پیوستار و منطق معنایی در قالب یک نظریه منسجم با یکدیگر در ارتباط قرار گرفتند و درنهایت نظریه فقر زدایی قران و روایات ارایه گردید.

براساس مدل پارادایمی ارایه شده در مکتب اسلام، فقر به عنوان پدیده ای منفی با آثاری مخرب در ابعاد فردی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که لازم است با شناخت شرایط علی، زمینه‌ها و شرایط مداخله‌گر در کنترل و زدودن آن از زندگی فردی و

1. Goulding

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

اجتماعی اقدام نمود. در زیر ابعاد نظریه فقرزدایی قران و روایات براساس مدل پارادایمی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳ـ فقر (تعریف، انواع، محدوده و تمایز مفهومی)

پدیده اصلی مورد بررسی در این مقاله، فقر از دیدگاه قران و روایات است. بر این اساس لازم است معنای لغوی و مفهومی فقر در قران و روایات و مرزهای مفهومی و تمایز آن با دیگر مفاهیم مشخص و تعریف شود. در اصطلاح فقهی و قرآنی، فقیر به کسی گفته می‌شود که هزینه یک سال را بالفعل و بالقوه نداشته باشد (مقدس اردبیلی، ۲۶۲).

در کتب معجم و لغت برای واژه «فقر» معانی مختلفی به کار رفته است که برخی از آنها با معنای کاربردی در محاورات روزمره و با معنا و هدف این مقاله مطابقت ندارد. اکثر علمای لغت، فقر را به معنی نیاز و حاجت دانسته‌اند (سعدی، ۲۸۹؛ صاحب بن عباد، ۴۰۰/۵؛ فراهیدی، ۱۵۰/۵؛ طریحی، ۴۴۱/۳؛ واسطی زبیدی، ۳۵۴/۷؛ ابن منظور، ۶۰/۵). در کتاب مفردات الفاظ القرآن، نیز فقر به معنای نیازمندی‌های مادی و زیستی موجودات زنده، عدم برخورداری از وسایل و امکانات اولیه و اساسی زندگی، آزمندی و بسنده نکردن به امکانات موجود و بالاخره به معنی احساس همیشگی نیاز به خدا ذکر شده است (راغب اصفهانی، ۶۴۱). معنای اخیر از تمایزات اصلی گفتمان قرانی با گفتمان‌های بشری در توجه به فقرزدایی است. به این معنا که محوریت گفتمان فقرزدایی قرانی بر توحیدباوری و باور به غنای الهی و فقر ذاتی بشر در مقابل خداوند است.

برای شناخت نظریه فقرزدایی قران و روایات، نباید تنها به واژه فقر و مشتقات لغوی آن بسنده نمود. این مساله دو علت اصلی دارد:

نخست اینکه واژه «فقر» تنها یک بار در قرآن در آیه ۲۶۸ سوره بقره آمده است: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» البته مشتقات فقر نظیر «فقیر» پنج مرتبه، و «فقراء» هفت مرتبه و «فاقره» یک مرتبه در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

قرآن‌کریم به کار رفته است. با اینهمه فقر در معنای لغوی و جلوه‌های آن، در موارد دیگری نیز به کار گرفته شده است که با معنای فقر اقتصادی متمایز و متفاوت است. بر این اساس لازم است تمایز مفهومی و معنایی فقر اقتصادی با دیگر جلوه‌های فقر را مد نظر قرار داد (جدول ۱). انواع فقر و برخی مستندات آنها در آیات و روایات در زیر به اختصار آمده است.

فقر ذاتی: این فقر دلالت بی‌نیازی خداوند و نیازمندی همه مخلوقات به او دارد. در آیات ۱۵ سوره فاطر و ۳۸ سوره محمد(ص)، به خوبی به این نوع فقر اشاره شده است.

«**يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ**» (فاطر، ۱۵)

«**هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ**» (محمد، ۳۸).

همچنین رسول اکرم(ص) در دعایی می‌فرمایند: اللّهم أغننی بِالافْتقَارِ إلیک، و لا تُفْقِرْنی بالاستغناء عنک؛ الهی مرا با نیازمندی به سوی خودت غنی گردان و نیازم را سرشار و نیز مرا در بینیازی از خودت فقیر مگردان که خود را از تو بینیاز بدانم (مجلسی، ۳۰/۶۹).

فقر شناختی: این نوع فقر زمانی جلوه گر می‌شود که انسان براساس جهل و بی‌خردی عمل کند.

قَالَ رسولُ اللّه(ص): یا علی لَا فَقْرَ أَشَد منَ الْجهل (کلینی، ۱/ ۲۵)؛ ای علی، هیچ فقری مانند نادانی نیست.

و أَکْبرَ الْفَقْرِ الْحمقُ (شریف رضی، حکمت ۳۸)؛ بزرگترین فقر بی‌خردی است.

فقر روحی: ابتلا روح به انواع بیماری‌ها از جمله حرص و آز، دنیاطلبی، و به عنوان جلوه‌ای از فقر ذکر شده است.

قال امام باقر(ع): «لَا فَقْرَ کَفَقْرِ الْقَلْبِ و لَا غنَی کَغنَی الـنّفْسِ» (مجلسی، ۱۶/۷۵)؛ هیچ فقری چون فقر روحی و هیچ توانگریی چون استغنای روحی نیست.

شَرَه النّفْسِ إِلَی کُلِّ شَیء (آمدی، ۲۲۵)؛ آزمندی نفس، به هر چیزی [فقر است]

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

امام صادق (ع): «الطّمع هو الْفَقْرُ الْحاضرُ» (کلینی، ۲/ ۱۴۸)؛ یعنی چشم طمع بـه آنچـه دیگران دارند، خود فقر است.

رسول الله: نَعوذُ بِک منَ الْفَقْرِ و الْقلّةِ (مجلسی، ۶۹ / ۳۱). پناه می‌برم از فقر نفسـانی و کم صبری و عدم بردباری.

فقر گزینشی: منظور از فقر گزینشی، انتخاب ارادی فقـر اسـت و هـدف از آن خـدمت صادقانه به خلق با ساده زیستی و بدون چشمداشت برای رضای الهی اسـت. آیـات ۸ و ۹ سوره مبارکه انسان بر این نوع فقر اشاره دارد.

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيـدُ مِـنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا.»

همچنین در روایتی از امام صادق(ع) ابراز علاقه به فقر نه بـه معنـای فقـر گزینشـی و هدف از آن انتخاب زندگی ساده برای فرصت بیشتر در راه خدمت به بنـدگان خـدا اسـت. این نوع فقر نه تنها نشانه ضعف و ناتوانی فـرد نیسـت بلکـه نشـانه عـزم جـدی او در راه زدودن فقر دیگر اقشار جامعه است: در حدیث دیگر آمده است:

«قُلْت لأَبی عبد اللّه) ع) ء شَی یرْوی عنْ أَبی ذَر) رضی اللّه عنْه (أَنّه کَانَ یقُـولُ: ثَلَـاثٌ یبغضُها النّاس و أَنَا أُحبها أُحب الْموت و أُحب الْفَقْرَ و أُحب الْبَلَاء. فَقَالَ (ع): إِنّ هـذَا لَـیس علَی ما یرْوونَ إِنّما عنَی الْموت فی طَاعةِ اللّه أَحب إِلَی منَ الْحیاةِ فی معصیةِ اللّه و الْبَلَاء فی طَاعةِ اللّه أَحب إِلَی منَ الصحةِ فی معصیةِ اللّه و الْفَقْرُ فی طَاعةِ اللّه أَحب إِلَی منَ الْغنَـی فـی معصیةِ اللّه» (کلینی، ۲۲۲/۸).

راوی می‌گوید به امام صادق(ع) عرض نمودم مطلبی از ابوذر نقل شده که مردم سه چیز را دوست ندارند ولی من آنها را دوست دارم؛ مرگ، فقر و بلا. امام صادق (ع) فرمودنـد آن طور که میگویند صحیح نیست، بلکه مرگ در طاعت خدا را بیشتر از زنـدگی در معصـیت دوست دارم. بلای در طاعت خدا را بیشتر از صحت در معصیت خدا دوست دارم و فقر در طاعت خدا را بیشتر از ثروت در معصیت خدا دوست دارم.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

فقر در روز قیامت: این نوع فقر به عدم توانـایی آدمـی در ارائـه اعمـال نیـک در روز قیامت اشاره دارد. در احادیثی از پیامبر اکرم(ص) به این نوع فقـر اشـاره شـده اسـت. دو مورد زیر از آن جمله است:

«قالَ رسولُ الله (ص) أَتدرونَ ما الْمفْلس؟ فَقیلَ: الْمفْلس فینَا منْ لَا درهم لَه و لَـا متَـاع لَه. فَقَالَ: الْمفْلس منْ أُمتی منْ یأْتی یوم الْقیامةِ بِصلَاةٍ و صیامٍ و زکَاةٍ و یأْتی قَد شَتَم و قَذَف هذَا و أَکَلَ مالَ هذَا و سفَک دم هذَا و ضَرَب هذَا فَیعطَی هذَا منْ حسنَاته و هذَا منْ حسـنَاته فَإِنْ فَنیت حسنَاتُه قَبلَ أَنْ یقْضَی ما علَیه أُخذَ منْ خَطَایاهم فَطُرِحت علَیه ثُم طُرِح فی النّـارِ بل قَد یقال إنّ المفلس حقیقَةً هو هذا» (مجلسی، ۶۹ /۶).

آیا می‌دانید مفلس کیست؟ گفتند: از نظر ما، مفلس کسی است که نـه درهمـی دارد و نـه کالایی. حضرت فرمود: مفلس امت من، کسی است که روز قیامت نمـاز و روزه و زکـات بـا خود می‌آورد، اما گاهی دشنام و تهمتی به این زده است و مال آن را خورده و خون فـلان را ریخته و بهمان را زده است. در نتیجه، از حسناتش به این و آن داده می‌شود و اگر حسـناتش تمام شود و هنوز خطاهایش تمام نشده باشد، از گناهان آنها برداشته و به او داده مـی‌شـود و سپس در آتش افکنده می‌شود و گفته می‌شود: مفلس حقیقی، همین شخص است ."

قَالَ رسولُ الله(ص) أیها النّاس... ما الصعلُوک فیکُم؟ قَالُوا: الرّجلُ الّذی لَا مالَ لَه. فَقَـالَ: بلِ الصعلُوک حقّ الصعلُوک منْ لَم یقَدم منْ ماله شَیئاً یحتَسبه عنْد اللّه و إِنْ کَانَ کَثیـراً مـنْ بعده (مجلسی، ۱۵۲/۷۴)؛ ای مردم به نظر شما فقیر کیست؟ عرض کردند: مردی که ثروتی ندارد. فرمود: نه، فقیر حقیقی کسی است که از مال خـود چیـزی بـه حسـاب خـدا پـیش نفرستد، اگرچه پس از او مال بسیاری بماند.

همچنین علی(ع) نیز اعمال آدمی را ملاک واقعی فقر و غنا در روز قیامت قلمداد می‌کنند. الْغنَی و الْفَقْرُ بعد الْعرْضِ علَی اللّه (شریف رضی، حدیث۴۵۲)؛ توانگری و فقر (واقعـی) آنگاه معلوم می‌شود، که اعمال به پیشگاه خداوند عرضه شود.

فقر در باورهای دینی: در برخی روایات فقدان یک آئین الهی و یا وجود کاسـتی‌هـا و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

نواقص در اعتقادات دینی و عقیدتی به عنوان مهمترین نوع فقر ذکر شده است. امام حسین(ع) فقر دینی را مرگ سرخ می‌دانند.

عنْ أَبِی عبد اللّه(ع) قَالَ: الْفَقْرُ الْموت الْأَحمرُ. فَقُلْت لأَبِی عبد اللّه(ع): الْفَقْرُ منَ الدینَارِ و الدرهمِ. فَقَالَ: لَا و لَكنْ منَ الدینِ (کلینی، ۶۶۳/۳)؛ فقر، مرگ سرخ (کشته شدن) است. [راوی می‌گوید:] به ابوعبدالله عرض کردم: (منظورتان) فقر درهم و دینار است؟ فرمود: نه؛ فقر دینی است.

همچنین در حدیثی کفر بعد از ایمان، سخت ترین نوع فقر ذکر شده است.

فَأَی فَقْرٍ أَشَد؟ قَالَ: الْكُفْرُ بعد الْإِیمانِ (ابن بابویه، ۴ / ۳۸۱)؛ سخت ترین فقر کدام است؟ کفر بعد از ایمان.

در بررسی نظریه فقر زدایی باید به این نکته تاکید کرد که منظور از فقر، فقر در معانی مذکور نیست؛ بلکه فقر به معنای اقتصادی آن است.تمایز مفهومی فقر و تعیین حدود آن از نظر فقهی نیز حایز اهمیت است. چون نداری و نیاز، می‌تواند شکل‌ها و جلوه‌های متفاوتی داشته باشد و همین مساله موجب شود از نظر احکام فقهی تفاوت‌هایی ایجاد شود. برای مثال در آیه ۶۰ سوره توبه، برخی فقها درباره تفاوت فقیر و مسکین به بحث پرداخته‌اند.

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِینِ وَالْعَامِلِینَ عَلَیْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِی الرِّقَابِ وَالْغَارِمِینَ وَفِی سَبِیلِ اللّهِ وَابْنِ السَّبِیلِ فَرِیضَةً مِنَ اللّهِ وَاللّهُ عَلِیمٌ حَكِیمٌ»

«صدقات برای فقیران است و مسکینان و کارگزاران جمع‌آوری آن و نیز برای به دست آوردن دل مخالفان و آزاد کردن بندگان و قرض داران و انفاق در راه خدا و مسافران نیازمند و آن فریضه ای است از جانب خدا. و خدا دانا و حکیم است.»

دوم اینکه واژه‌های دیگری نیز هم معنا با فقر وجود دارند که باید در استخراج نظریه فقرزدایی قران و روایات از آنها نیز بهره گرفت. قرآن کریم برای فقر، واژه هایی مانند فقر، فقیر، فاقره، مسکین، مسکنهٔ، ضعیف و مستضعف، را به کار برده است.

فقر اقتصادی، فقر مالی، فقر معیشتی و محرومیت از منظر صاحب الحیاه عبارتست از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

نیازمندی انسان، یا بی‌نصیب ماندن از چیزهایی که برای تأمین زندگی او و کسانی که تحت تکفل او هستند کفایت کند. به عبارتی دقیقتر فقر عبارتست از: نداشتن چیزهایی که آدمی در زندگی به آنها نیازمند است، و ناقص یا اندک بودن امکاناتی که شکوفایی قابلیت آدمی و ظهور استعدادهای او به آنها بستگی دارد.

برای ضد ارزش بودن فقر بر اساس گفتمان قرانی می‌توان به آیات مختلفی استناد نمود. از آن جمله:

الف- «**و وجدک عائلاً فَأَغْنی**» (الضحی، ۸). در این آیه عنایت خداوند در توانگر کردن پیامبر به عنوان منت و لطف الهی ذکر شده است.

ب- «**الشّیطانُ یعدکُم الْفَقْرَ و یأمرُکُم بِالْفَحشاء و اللّه یعدکُم مغْفرَةً منْه و فَضْلاً و اللّه واسع علیم**» (البقره، ۲۶۸). در این آیه نیز وعده همزمان شیطان به فقر و امر به فحشا نشان دهنده تقارن و همبستگی این دو پدیده ضد ارزشی دارد.

انواع فقر	مفهوم اصلی	آیات و روایات
فقر ذاتی	بی‌نیازی خداوند و نیازمندی همه به او	(فاطر،۱۵)؛ (محمد،۳۸)؛ (مجلسی، ۳۰/۶۹)
فقر شناختی	عمل بر اساس جهل و بی‌خردی	(کلینی، ۱ /۲۵)؛ (حکمت ۳۸)
فقر روحی	ابتلا روح به انواع بیماری‌ها از جمله حرص و آز ، دنیاطلبی، و..	(آمدی، ۲۲۵)؛ (کلینی، ۱۴۸/۲)؛ (مجلسی، ۳۱/۶۹)؛ (مجلسی، ۱۶/۷۵)
فقر گزینشی	گزینش ارادی فقر (خدمت صادقانه به خلق با ساده‌زیستی و بدون چشم‌داشت برای رضای الهی)	(الانسان، ۸-۹)؛ (کلینی، ۲۲۲/۸)
فقر در روز قیامت	عدم توانایی آدمی در ارائه اعمال نیک در روز قیامت	(مجلسی، ۶/۶۹)؛ (مجلسی، ۱۵۲/۷۴)؛ (شریف رضی، حدیث ۴۵۲)؛
فقر در باورهای دینی	فقدان یک آئین الهی و یا وجود کاستیها و نواقص در اعتقادات دینی و عقیدتی	(کلینی، ۶۶۳/۳)؛ (ابن بابویه، ۳۸۱/۴)؛

جدول۱- تمایز مفهومی انواع فقر با فقر اقتصادی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

٤ـ شرایط علّی فقر در قران و روایات

منظور از شرایط علی، متغیرهایی هستند که در بروز و ظهور فقر در جامعه بـه صـورت مستقیم نقش دارند. شرایط علی از شرایط مداخله گـر و شـرایط زمینـه ای از ایـن جهـت متمایز هستند که شرایط اخیر به صورت مسقیم در ایجاد فقر موثر نیستند، بلکه وجود آنهـا بستر یا شرایطی را فراهم می‌کند که فقر را تسریع، تشدید و تهییج می‌کنند. شرایط مداخلـه گر و زمینه‌ای می‌توانند با تاثیر بر عوامل فقرزا به فقر منتهی شوند. در نظریه فقرزدایی قران و روایات به دو دسته علت‌های فردی و اجتماعی در ایجاد فقر اشاره شده است:

الف- عوامل فردی عواملی هستند که به ویژگی‌های فردی و عدم اهتمام فرد برای کـار و تلاش و کسب رزق و روزی اشاره دارد. در این میان تنبلی و عدم پشتکار افراد به عنوان عامل فردی ایجاد فقر تلقی شده است: «إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا ازْدَوَجَـتْ ازْدَوَجَ الْكَسَـلُ وَ الْعَجْـزُ فَنُتِجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْ» (ری شهری، ۵۱۸۴/۱۱)، همانا گاهی اموری با یکدیگر جفت می‌شـوند، [مثلاً آنگاه که] تنبلی و ناتوانی با هم ازدواج کنند، از آنها فقر متولد می‌شود.

در حدیثی دیگر از امام علی(ع) عدم اهتمام فرد بر کار و تلاش بـه عنـوان عامـل فقـر فردی معرفی شده است: "من لم یصبر علی کد یده، صبر علی الافلاس(آمـدی، ۳۵۵)، هـر که بر کار و تلاش خود، پایدار نباشد، [سرانجام] پذیرای تهیدستی و فقر خواهد شد."

ب- عوامل اجتماعی به توزیع ناعادلانه ثروت در میان افراد و انحصار ثروت در دست توانگران و ثروتمندان اشاره دارد.

امیرمؤمنان علی(علیه‌السلام) در نامه ای به مالک اشـتر یـادآور مـی‌شـود کـه آبـادانی سرزمین‌ها در نتیجه نجات مردم از فقر به وسیله حکام و مسئولان می‌باشد و مـی‌فرمایـد: «وَاَنَّمَا يُوتَى خَرابُ الارضِ مِن اعوازِ اهلِها وَ انَّما يُعوزُ اهلُها لِاشرافِ انفُسِ الوُلاةِ عَلَى الجَمعِ وَسُوءِ ظَنِّهِم بِالبَقاءِ؛ همانا ویرانی زمین به دلیـل تنگدسـتی کشـاورزان اسـت و تنگدسـتی کشاورزان به دلیل غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینـده حکومتشـان اعتمـاد ندارند» (شریف رضی، نامه۵۳).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

ابعاد پارادایم با محوریت فقر	آیات و روایات مرتبط	مقوله‌های محوری
شرایط علی فقر	(محمدی‌ری‌شهری، ۵۱۸۴/۱۱)؛ (آمدی، ۳۵۵)؛ (شریف رضی، نامه۵۳.)	✓ عوامل فردی: تنبلی و عدم پشتکار افراد ✓ عوامل اجتماعی: توزیع ناعادلانه ثروت، انحصار ثروت در دست توانگران و ثروتمندان

جدول۲- مقوله‌های محوری بعد پارادایمی شرایط علی فقر

۵ـ شرایط مداخله گر فقر در قران و روایات

شرایط مداخله‌گر، شرایطی هستند که در عوامل فردی و اجتماعی ایجاد فقر دخالت نموده و آن‌را کنترل یا تشدید می‌کنند. این عوامل مداخل‌گر در تمامی سطوح طبقاتی قابل ردیابی است. در سطوح بالا، ثروت اندوزی حاکمان، در سطح میانه جامعه احتکار و اختلال اقتصادی طبقات مرفه و متوسط جامعه و در سطوح پایین تکدی گری به جای تلاش در جهت کسب روزی حلال از این عوامل محسوب می‌شوند.

در سطح بالای اجتماعی فقر با دخالت حاکمان و توانگران و عدم اهتمام آنها در رفع فقر تشدید می‌شود.

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِی أَمْوَالِ الْأَغْنِیَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِیرٌ إِلَّا بِمَا مُتِّعَ بِهِ غَنِیٌّ، وَ اللَّهُ تَعَالَی سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِکَ». (شریف رضی، حکمت ۳۲۸) ، خداوند سبحان روزی فقرا را در اموال توانگران مقرر داشته است. پس هیچ فقیری گرسنه نماند، مگر آنکه، توانگری حق او را باز داشته است و خدای تعالی توانگران را، بدین سبب، باز خواست کند.

در سطوح میانی جامعه، طبقات مرفه، متوسط و فعالان اقتصادی با پیگیری رویه اخلاقی و اقتصادی نادرست می‌توانند عاملی در تشدید فقر باشند. برای مثال صفت بخل و آلوده شدن به رباخواری از عوامل مهم فقر ذکر شده است:

وَ قَالَ علیه السلام: «عَجِبْتُ لِلْبَخِیلِ یَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِی مِنْهُ هَرَبَ وَ یَفُوتُهُ الْغِنَی الَّذِی إِیَّاهُ طَلَبَ فَیَعِیشُ فِی الدُّنْیَا عَیْشَ الْفُقَرَاءِ وَ یُحَاسَبُ فِی الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِیَاءِ» (شریف رضی، حکمت ۱۲۶)، از بخیل در شگفتم! به سوی فقری می‌شتابد که از آن می‌گریزد و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

سرمایه ای را از دست می‌دهد که برای آن تلاش می‌کند. در دنیا چون فقیران و تهیدستان زندگی می‌کند؛ اما در آخرت چون سرمایه داران محاکمه می‌شود.

شخصی به امام صادق علیه السّلام عرض کرد: خداوند درآیه ۲۷۸ سوره بقره می‌فرماید: «**یَمحَقُ اللهُ الرِّبا وَ یُربِی الصَّدَقاتِ**»؛ خداوند ربا را نابود و صدقات را زیاد می‌کند، اما چرا می‌بینیم که بعضی رباخواران اموالشان زیاد می‌شود. امام علیه السّلام فرمود: چه نابودی از این بالاتر که یک درهم ربا، دین انسان را نابود می‌کند و اگر توبه کند، باز هم اموالش از بین رفته، فقیر می‌شود (شیخ طوسی، ۱۵/۷).

ربا با وجود افزایش ظاهری ثروت فردی در مراحلی، به تدریج در طول عمر آن ثروت را نابود کرده و با آثار سوء خود، فقر اجتماعی را تشدید می‌کند.

طبقات پایین جامعه نیز با درخواست از دیگران و گدایی به تشدید فقر در جامعه کمک می‌کنند. کلام امام علی(ع) مویدی است بر این مطلب: درخواست از دیگران کلید فقر است و روزی را نابود می‌کند» (حرانی، ۴۲، مجلسی، ۳۱۶/۷۶)

این مساله در دو روایت از رسول اکرم نیز مورد تاکید قرار گرفته است: «هرکس درخواهش را به روی خویش بگشاید، خداوند نیز در فقر را به سوی او باز می‌کند» (آمدی، ۳۶۶). «هرکس اظهار نیاز به دیگران نکند، خداوند بی‌نیازش می‌کند، هرکس خود را از حرام باز دارد خداوند او را پاک می‌گرداند، هرکس از خدا مسألت کند، عطایش می‌کند و هر کسی که در سؤال و درخواست را به روی خود بازکند، خدا در هفتاد نوع فقر را به روی او می‌گشاید که کوچکترین آنها با هیچ چیزی بسته نمی‌شود.» (طبرسی، ۴۴۵)

ابعاد پارادایم با محوریت فقر	آیات و روایات مرتبط	مقوله‌های محوری
شرایط مداخله گر فقر	(شریف رضی، حکمت۳۲۸) (شریف رضی، حکمت ۱۲۶) (عاملی، ۹)، (آمدی،۳۶۶)؛ (طبرسی، ۴۴۵)	✓ نقش مداخله‌گر حاکمیت ✓ نقش مداخله‌گر طبقات مرفه و متوسط ✓ نقش مداخله‌گر طبقات پایین

جدول۳- مقوله‌های محوری بعد پارادایمی شرایط مداخله‌گر فقر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

۶ـ شرایط زمینه‌ای فقر در قران و روایات

شرایط زمینه‌ای ایجاد فقر به عواملی اشاره دارد که در بستر آنها فقر رشد می‌کند. بخشی از این بستر به زمینه‌های فکری افراد و بخشی دیگر به زمینه‌های عملکردی آنها مربوط می‌شود:

الف- بسترهای فکری: آیات متعددی در قران درباره توجه به رزق مقدر و اسباب آن ذکر شده است از جمله این آیات می‌توان به (مریم، ۲۵)، (المائده، ۶۴)، (یس، ۴۷)، (الزخرف، ۳۲)، (النحل، ۵۶)؛ (فاطر، ۲۹)، (المعارج، ۲۴ و ۲۵)، (الذاریات، ۱۹)، (الفجر، ۱۵-۲۰)، (ابراهیم، ۷) اشاره نمود.

● «وَهُزِّی إِلَیْکِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَیْکِ رُطَبًا جَنِیًّا» (مریم، ۲۵)، شاخ درخت را به سوی خود حرکت ده تا از آن بر تو رطب تازه فرو ریزد.

● «وَقَالَتِ الْیَهُودُ یَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَیْدِیهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ یَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ یُنْفِقُ کَیْفَ یَشَاءُ وَلَیَزِیدَنَّ کَثِیراً مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ طُغْیَانًا وَکُفْراً وَأَلْقَیْنَا بَیْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ کُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَیَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُفْسِدِینَ» (المائده، ۶۴). و یهود گفتند: دست خدا بسته است. دستهایشان بسته باد و به سزای این گفتار، از لطف خدا دور شوند. بلکه دو دست (قدرت) خدا گشوده است، هرگونه بخواهد انفاق می‌کند و البتّه آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، کفر و طغیان بسیاری از آنان را می‌افزاید و ما تا روز قیامت دشمنی و کینه در میانشان افکندیم. هر بار که برای جنگ، آتش افروزی کردند، خداوند آن را خاموش ساخت. آنان همواره در زمین، به فساد و تبهکاری می‌کوشند، و خداوند مفسدان را دوست نمی‌دارد.

● «وَإِذَا قِیلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِلَّذِینَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ یَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِی ضَلَالٍ مُبِینٍ» (یس، ۴۷) و هرگاه به آنان گفته شود: از آن چه خداوند روزی شما کرده بخشش کنید، کسانی که کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: آیا به کسانی غذا دهیم که اگر خداوند می‌خواست خودش به آنها غذا می‌داد؟ شما در گمراهی آشکاری هستید.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

● «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّکَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (الزخرف، ۳۲)، آیا آنان رحمت پروردگارت (در مورد تعیین پیامبر) را (میان خود) تقسیم می‌کنند در حالی‌که ما معیشت آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم (تا چه رسد به اعطای مقام والای نبوّت) و درجات بعضی انسان‌ها را بر برخی دیگر برتری دادیم تا برخی از آنان برخی دیگر را به خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است.

● «وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ» (النحل، ۵۶)، و (مشرکان) سهمی از آنچه را ما روزی آنان کرده‌ایم برای بت‌هایی قرار می‌دهند که هیچ نمی‌دانند. به خدا سوگند حتماً از آنچه افتراء می‌بندید بازخواست خواهید شد.

● «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ» (فاطر، ۲۹)، همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز برپا می‌دارند و از آن‌چه ما روزیشان کرده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی دل بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.

● «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (المعارج، ۲۴ و ۲۵)، و آنان که در اموالشان حقّی است معلوم. برای افراد سائل و محروم.

● «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (الذاریات، ۱۹)، و در اموالشان، برای سائل و محروم حقی بود.

● «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (الفجر، ۱۵-۲۰)، امّا انسان، (طبعش چنین است که) هرگاه پروردگارش او را بیازماید و گرامیش داشته و نعمتش دهد، (مغرور گشته و) می‌گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته است. ولی هرگاه او را بیازماید و روزی او را تنگ سازد، می‌گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است. این چنین نیست؛ بلکه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

شما یتیم را گرامی نمی‌دارید. و یکدیگر را بر اطعام بینوایان ترغیب نمی‌کنید. و میراث را (به حق و ناحق) یکجا می‌خورید. و مال را بسیار دوست دارید.

● «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم، ۷)، و (نیز به یادآور) هنگامی که پروردگارتان اعلام فرمود: همانا اگر شکر کنید، قطعاً (نعمت‌های) شما را می‌افزایم، و اگر کفران کنید البتّه عذاب من سخت است.

این آیات به ما گوشزد می‌کنند رزق و تقسیم آن در تقدیر الهی بر قواعدی استوار است که باید به آنها توجه نمود. وقتی بسترهای فکری افراد جامعه بر عدم توجه به رزق مقدر، و وسائط رزق، عدم باور به تقسیم روزی و عدم توجه به حق دیگران در روزی استوار باشد عملکرد آنها بر خداباوری متکی نخواهد بود. آنها به آزمون‌های الهی بی توجه خواهند بود و دیدگاه نادرستی نسبت به دنیا و آخرت پیدا خواهند کرد.

ب- بسترهای عملکردی: تفکر غیرالهی به مساله رزق و روزی و عدم خداباوری موجب اشاعه گناه، کفران نعمت‌های الهی، بی توجهی به نیازمندان، حرام‌خواری، ولخرجی، عدم توجه به حقوق پدر و مادر، عدم ارتباط با خویشان، خیانت، دروغگویی، و حبس مال (بخل ورزیدن به مال) خواهد شد که نتیجه آن گسترش فقر در جامعه است. در زیر چند حدیث مرتبط با زمینه‌های فقر ذکر شده است:

گناه: امام باقر علیه‌السلام: «ان العبد لیذنب الذنب فیزوی عنه الرزق» یعنی بنده مرتکب گناه می‌شود، روزی وی ازاو زده می‌شود. (عاملی، ۳۰۱/۱۵).

گناه: امام‌رضا علیه‌السلام: «ان مؤمنَ لینوی الذنب فیحرم رزقه» یعنی «همانا مومن نیت گناه می‌کند و از رزقش محروم می‌شود» (عاملی، ۵۸/۱).

گناه: امام علی علیه السلام: «توقوا الذنوبَ فما من بلیَّه و لانقص رزق الا بذنب حتی الخرش والکبوه و المصیبه» یعنی از گناهان بپرهیزید، زیرا هیچ بلا و کم شدن روزی حتی خراش‌ها و زخم‌های بدن و سقوط و افتادن و هر مصیبتی از گناهان سرچشمه می‌گیرد (مجلسی، ۳۵۰/۷).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

گناه: انسان با گناهی که مرتکب می‌شود از روزی محروم می‌گردد (ابن ابی الحدید، ۲۰/۲۵۹).

عدم استغفار: خداوند استغفار (آمرزش خواستن) را سبب فراوانی روزی قرار داده است (شریف رضی، خطبه ۱۴۳).

کفران نعمت: امام علی(ع): «زوالُ النِعَم بمنع حقوق الله منها و التّقصیر فی شکرها». یعنی زایل شدن نعمت‌ها به واسطه ندادن حقوق خداوند از آن‌ها و تقصیر در ادای شکر آن‌هاست (آمدی، ۱۱۰/۴)

خیانت: «الامانه تجر الرزق و الخیانه تجر الفقر». امانتداری روزی به دنبال دارد و خیانت مایه فقر و تنگدستی است. (حَرّانی، ۲۵۵)

بی‌توجهی به نیازمندان: رسول صلی الله علیه وآله: «کسی که نعمتش افزون می‌شود نیاز مردمان نیز به او فراوان می‌شود، اگر نیاز آنها را برآورد نعمت‌های فراوان دیگری به او می‌رسد، ولی اگر این کار را نکند، آن چه را دارد از دست می‌دهد» (محدث نوری، ۱۹۵/۱۵).

نفرین پدر و مادر: امام کاظم: «العقوق یعقب القله و یؤدی الی الذله» (مجلسی، ۸۴/۷)؛ عقوق والدین کمی و تنگ دستی را به دنبال دارد و انسان را به ذلت و خواری می‌کشاند.

ولخرجی: حضرت علی علیه‌السلام: «کسی که به تبذیر و ولخرجی افتخار کند با ورشکستگی خوار و ذلیل می‌شود». (آمدی، ۳۶۰)

رسول صلی الله علیه‌وآله «کسی که در مخارج زندگی میانه روی کند، خداوند رزق و روزی به او عنایت می‌کند و هرکس را که تبذیر و ولخرجی کند، از روزی محرومش می‌سازد». (کلینی، ۱۲۲/۲)

قطع کردن رابطه‌ی خویشاوندی: امام علی علیه السلام: «اگر خانواده‌ای فاجر گرد هم آیند و به یاری هم بشتابند، خداوند به آنها روزی می‌دهد ولی اگر خانواده‌ای با تقوا، تفرقه و قطع رحم کنند خداوند آنها را از روزی محروم می‌کند». (کلینی، ۳۴۷/۲)

امام علی: «هنگامی که رشته‌ی خویشاوندی بریده شود اموال به دست اشرار می‌افتد. (کلینی، ۳۴۸/۲)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

حرام‌خواری: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «هرکس مالی را از راه نامشروع و حرام به دست آورد، خدای متعال او را فقیر و نیازمند می‌سازد» (مجلسی، ۱۶۱/۹۶).

حضرت صادق (ع): «کثره السحت یمحق الـرزق» (مجلسـی، ۲۵۶/۷۵)، حـرام‌خـواری زیاد روزی را نابود می‌کند.

اظهار حرص: «اظهار الحرص یورث الفقـر» (مجلسـی، ۱۶۲/۷۵)؛ اظهـارکردن حـرص باعث فقر وتنگدستی می‌شود.

دروغگویی: رسول صلی الله علیه وآله «الکذب ینقص الـرزق» (ری شـهری، ۲۶۷۸/۳)؛ دروغ گفتن روزی انسان را کم می‌کند.

ابعاد پارادایم با محوریت فقر	آیات و روایات مرتبط	مقوله‌های محوری
شرایط زمینه ای فقر	(مریم، ۲۵)، (المائده، ۶۴)، (یس، ۴۷)، (الزخرف، ۳۲)، (نحل، ۵۶)؛ (فاطر، ۲۹)، (معارج، ۲۴ و ۲۵)، (الذاریات، ۱۹)، (الفجر، ۱۵–۲۰)، (ابراهیم، ۷). (عاملی، ۵۸/۱)، (مجلسی، ۳۵۰/۷) (ابن ابی الحدید، ۲۰/۲۵۹)، (شریف رضی، خطبه۱۴۳) (آمدی، ۱۱۰/۴)؛ (حرّانی، ۲۵۵)، (وسائل الشیعه، ۳۰۱/۱۵). (محدث نوری، ۱۹۵/۱۵)؛ (مجلسی، ۱۶۱/۹۶). (مجلسی، ۸۴/۷)؛ (ری شهری، ۲۶۷۸/۳)؛	✓ بسترهای فکری: عدم توجه به رزق مقدر، و وسائط رزق، عدم باور به تقسیم روزی، عدم توجه به حق دیگران در روزی، عدم توجه به آزمون الهی، دیدگاه نادرست نسبت به دنیا و آخرت ✓ بسترهای عملکردی: ارتکاب گناه، کفران نعمت‌های الهی، خیانت، ترک صله رحم، ولخرجی، حرام خواری، دروغگویی، حرص ورزی، بی توجهی به نیازمندان

جدول۴– مقوله‌های محوری بعد پارادایمی شرایط زمینه‌ای فقر

۷ـ پیامدهای فقر در قران و روایات

نظریه فقرزدایی اسلام به پیامدهای فقر در جامعه نیز می‌پردازد. این پیامدها را می‌تـوان دسته‌بندی نمود:

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

پیامدهای اجتماعی: دسته مهمی از پیامدهای فقر، پیامدهای اجتماعی هستند. این پیامدها موجب می‌شود فرد فقیر در جامعه به واسطه آثاری که فقر در سطح و سبک زندگی به‌جا می‌گذارد مورد بی‌توجهی، بی مهری و حتی تبعیض قرار بگیرد و شان انسانی او لگدمال شود. انزوا، ناتونی و غربت، ذلت و خواری، بدبینی مردم، تحقیر، از جمله واکنشهای منفی اجتماعی است که دامنگیر فقرا می‌شود. آنها به علت فقدان منزلت اجتماعی دچار آسیبهای مختلف روانی، و اخلاقی می‌شوند. در زیر برخی آیات و روایات پیامدهای اجتماعی فقر مرور می‌شود:

براساس آیه ۷۹ سوره توبه یکی از آثار فقر، استهزاء و تحقیر توسط دیگران است. کسانی که خود را از نظر مالی برتر می‌بینند، به فقیران اهانت کرده و تحقیر می‌کنند و استهزا نسبت به آنان روا می‌دارند:

«**الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ**» یعنی آن کسانی که عیب‌جویی می‌کنند بر آن مؤمنانی که به صدقات مستحب فقیران را دستگیری می‌کنند و همچنین مسخره می‌کنند مؤمنانی را که از اندک چیزی که مقدور آنهاست هم (در راه خدا) مضایقه نمی‌کنند، خدا هم آنها را البته مسخره و مجازات می‌کند و به آنها عذابی دردناک خواهد رسید.

در کلام امام علی(ع) نیز از پیامدهای اجتماعی فقر آن است که فقرا جایگاه اجتماعی پایینی در جامعه پیدا می‌کنند و منزلت اجتماعی آنها آسیب می‌بیند: الفقیر حقیر لایسمع کلامه و لا یعرف مقامه یعنی فقیر در چشم مردم بی مقدار است؛ نه سخنش شنیده می‌شود و نه جایگاهش شناخته می‌شود (شریف رضی، حکمت ۴۴).

فقر موجب می‌شود آدمی در زادگاه خود، احساس غریب بودن داشته باشد و مانند غریبه‌ها با او برخورد کنند: الفَقرُ فی الوَطَنِ غُربة؛ فقر در زادگاه، غربت است. (شریف رضی، حکمت ۵۶).

همچنین در حدیثی دیگر از معصومین به پیامدهای منفی فقر مانند تحقیر شدن در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

جامعه و منزلت پایین اجتماعی به نیکویی اشاره شده است: «فرزندم! آدم فقیر، حقیر است. سخنش خریدار ندارد و مقام و مرتبتش شناخته و دانسته نمی‌شود. فقیر اگر راستگو باشد، او را دروغگو می‌نامند و اگر زاهد و دنیاگریز باشد، نادانش می‌خوانند.» (شعیری، ۸۱۸/۳۰۰).

براساس همین پیامدهای اجتماعی فقر است که امام علی(ع) از خداوند می‌خواهد که با توانگری آبرویش را حفظ و با فقر و بینوایی جاه و شکوه او را تباه نکند: «اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِی بِالْیَسَارِ وَ لَا تَبْذُلْ جَاهِیَ بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ طَالِبِی رِزْقِکَ وَ أَسْتَعْطِفَ شِرَارَ خَلْقِکَ، وَ أُبْتَلَی بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِی وَ أُفْتَتَنَ بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِی، وَ أَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِکَ کُلِّهِ وَلِیُّ الْإِعْطَاءِ وَ الْمَنْعِ»، «إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیر». «بار خدایا، به توانگری، آبرویم را حفظ کن و مکانتم را به بینوایی تباه منمای که از روزیخواران تو روزی خواهم، یا از مردم بدکردارت مهربانی جویم و یا به ستایش کسانی، که به من چیزی بخشیده‌اند، مبتلا گردم و یا به نکوهش کسانی، که مرا محروم داشته‌اند، فریفته شوم. سرانجام، تویی که می‌توانی ببخشی و می‌توانی نبخشی که تو بر هر چیز توانایی.» (شریف رضی، خطبه ۲۲۵).

در کنار تلاش مکتب اسلام برای فقر زدایی، برای جلوگیری از تنزل اجتماعی فقرا احادیث مختلفی در نکوهش تحقیر کردن فقرا ذکر شده است. از آنجمله در حدیثی از پیامبر، تحقیر کنندگان و تمسخرکنندگان فقرا با رسوایی در روز قیامت مجازات خواهند شد: رسولُ اللّه صلی الله علیه و آله و سلّم: مَنِ استَذَلّ مؤمِنا أو مؤمِنَةً أو حَقّرَهُ لِفَقرِهِ أو قِلّةِ ذاتِ یَدِهِ، شَهَرَهُ اللّه تعالی یومَ القِیامَةِ ثُمّ یَفضَحُهُ؛ هر کس مرد یا زن مؤمنی را به سبب تهیدستی یا اندک بودن مال و دارایی‌اش خوار شمارد یا تحقیر کند، خداوند متعال در روز قیامت او را (بدین کار زشتش) شهره و سپس رسوایش سازد. (مجلسی، ۴۴/۷۲، ری شهری، ۴۵۲).

همچنین تاکید شده است که تحقیر فقرا و مقاومت در برابر سخنان حق به بهانه فقر آنها، عاملی برای تداوم کفرورزی آنها بوده است. بر این اساس نه تنها فقر بلکه حتی غنا نیز می‌توان عاملی برای عناد باحق باشد. این مساله در آیه ۲۷ سوره هود مورد اشاره قرار گرفته است: «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاکَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاکَ اتَّبَعَکَ إِلَّا

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

الّذِینَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِیَ الرَّأْیِ وَمَا نَرَی لَکُمْ عَلَیْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّکُمْ کَاذِبِینَ»؛ پس سران و ثروتمندان قومش که کافر بودند گفتند: ما تو را جز بشری مثل خود نمی‌بینیم و جز جماعتی از فرومایگان فقیر و ندار ما کسی تو را پیروی و شما را بر ما امتیازی نیست بلکه شما را دروغگو م دانیم.

پیامدهای روانی: فقر به علت تهدید جایگاه اجتماعی فرد پیامدهای روحی و روانی برای فرد به همراه دارد. در گفتمان اسلامی به پیامدهای دهشت عقل و احساس مرگ و بیهودگی ناشی از فقر اشاره شده است. امام علی(ع) بر اساس همین پیامدهای فقر، آن را مرگ بزرگ تلقی می‌کند: الفَقرُ المَوتُ الأکبَرُ؛ فقر، مرگ بزرگ است. (شریف رضی، حکمت ۱۶۳).

همچنین در حدیثی از پیامدهای فقر سستی در یقین و کاستی در خِرد ذکر شده است (شعیری، ۸۱۸/۳۰۰).

پیامدهای اخلاقی: فقر می‌تواند بستری برای روی آوردن انسانها به بی‌عفتی و انحراف اخلاقی باشد. وقتی فرد به علت پیامدهای اجتماعی فقر جایگاه اجتماعی خود را از دست بدهد و از نظر روحی و روانی تحت فشار قرار بگیرد، ارتکاب بی‌عفتی و روی آورن به انحراف اخلاقی قابل پیش بینی خواهد بود. در برخی احادیث تاکید شده است که فقر می‌تواند عاملی برای افزایش خطاها باشد:

- کسی را که در پی تحصیل خوراک روزانه خود است، سرزنش مکن؛ زیرا کسی که قُوت خود را نداشته باشد، خطاهایش بسیار است. (شعیری، ۸۱۸/۳۰۰).
- لَا تَلُم إِنْساناً یطْلُب قُوتَه فَمنْ عدم قُوتَه کَثُرَ خَطَایاه «فرزندم، انسانی را که به دنبال روزی خویش است ملامت مکن، زیرا کسی که هیچ نداشت لغزشهایش بسیار خواهد شد». (محدث نوری، ۱۴/۱۳)

در حدیثی دیگر از آثار فقر، کمی شرم و حیا عنوان شده است (شعیری، ۸۱۸/۳۰۰). که این خصلت فرد را در معرض انحراف اخلاقی قرار می‌دهد؛ چرا که نیروی کنترل درونی که مانع از انجام جرم و گناه می‌شود در فرد تضعیف می‌شود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

پیامدهای اخلاقی فقر حتی در محیط اداری نیز می‌تواند باعث فساد مالی و دزدی از بیت‌المال بشود. بر اساس این پیامدهای فسادزای فقر امام علی(ع) در نامه‌ای اشاره می‌کند که فقر می‌تواند عاملی برای فساد اداری باشد و حقوق کافی کارکنان دولتی می‌تواند یکی از موانع وقوع این نوع فسادها باشد: «حقوق کافی به آنها بده! زیرا این کار، آنها را در اصلاح خویش تقویت می‌کند، و از خیانت در اموالی که زیردست آنها است، بی نیاز می‌سازد.» (شریف رضی، نامه ۵۳).

فقر می‌تواند مانع از ازدواج و تشکیل به موقع خانواده گردد و آسیب‌های اجتماعی را تشدید کند. خداوند در آیه ۳۳ سوره نور به آثار فقر در تاخیر ازدواج و بی عفتی اخلاقی در جامعه هشدار می‌دهد. بر این اساس از فقرا می‌خواهد در شرایط فقر که ناتوان از انجام ازدواج و زناشویی هستند خود را گرفتار بی‌عفتی نکنند و عفت پیشه کنند: «**وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ**» یعنی «و آنان که وسیله نکاح نیابند باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آنها را به لطف و فضل خود بی‌نیاز گرداند».

پیامدهای دینی: از نتایج مهم فقر که در روایات بر آن بسیار تاکید شده کفر و بد گمانی به خدا و ضعف اعتقادی است. کسی که نتواند نیازهای اولیه خود را برآورده سازد از نظر اعتقادی نیز در معرض تهدید است. در آیه ۱۶ سوره فجر به صورت ضمنی به این اثر مهم فقر یعنی بدگمانی به خدا اشاره شده است: «**وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ**»؛ اما زمانی که وی را می‌آزماید و روزی‌اش را بر او تنگ می‌گرداند می‌گوید پروردگارم مرا خوار کرده است. (الفجر، آیه ۱۶).

پس، از نظر قرآن، کسی که دچار فقر می‌شود ممکن است احساس نومیدی کرده و به خدا بدگمانی روا دارد. این بدگمانی زمینه ای برای ورود او به کفر فراهم می‌کند. او فراموش می‌کند که خداوند فقر و غنا را به عنوان یکی از شیوه‌های آزمون و ابتلا ذکر نموده است: «**فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ**»؛ اما انسان هنگامی که پروردگارش وی را می‌آزماید و عزیزش می‌دارد و نعمت فراوان به او می‌دهد می‌گوید پروردگارم مرا گرامی داشته است (الفجر، آیه ۱۵).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

فقر پایه‌های اعتقادی جامعه را سست می‌کند. این مساله در وصیت امام علی(ع) به محمد بن حنیفه مورد تاکید قرار گرفته است: لابنِهِ محمّدِبنِ الحَنَفیهِ: یا بُنَیَّ، إنّی أخافُ علَیکَ الفَقرَ، فَاستَعِذْ بِاللّه مِنهُ؛ فإنّ الفَقرَ مَنقَصَةٌ للدِّینِ...؛ به فرزندش محمّد بن حنفیه-: فرزندم! من از فقر و ناداری برای تو بیمناکم. پس ، از آن به خدا پناه بر؛ زیرا که فقر باعث کاستی در دین است (شریف رضی، حکمت ۳۱۹؛ ری شهری، ۴۴۸).

همچنین در روایاتی مشهور، فقر زمینه و بستری مهم برای کفر تلقی شده است: "کَادَ الْفَقْرُ أَنْ یَکُونَ کُفْراً؛ فقر، انسان را در آستانه کفر قرار می‌دهد. (شیخ صدوق، ۱۲/۱؛ مجلسی، ۲۹/۷۲).

در حدیثی دیگر از پیامدهای مهم فقرشکنندگی در دین ذکر شده است (شعیری، ۸۱۸/۳۰۰).

ابعاد پارادایم با محوریت فقر	آیات و روایات مربوطه	مقوله‌های محوری	نمودهای عینی
پیامدهای فقر	آیات قرانی: (الفجر، ۱۶)؛ (الفجر، ۱۵)؛ (النور، ۳۲)؛ (هود، ۲۷)، (التوبه، ۷۹). روایات: (شریف رضی، حکمت۴۴، ۵۶ ، ۱۶۳)، (شریف رضی، خطبه ۲۲۵)، (شریف رضی، نامه ۵۳)، (ری شهری، ۴۴۸)، (شیخ صدوق، ۱۲/۱)؛ (شعیری، ۸۱۸/۳۰۰)، (محدث نوری، ۱۴/۱۳)، (مجلسی، ۲۹/۷۲)، (مجلسی، ۴۴/۷۲)	پیامدهای اجتماعی	فقدان منزلت اجتماعی دشمنی‌زایی واکنش‌های اجتماعی منفی مانند تحقیر؛ ذلت و خواری؛ غربت در میان خویشان؛ بدبینی مردم ناتوانی و غربت انزوای سیاسی
		پیامدهای دینی	کفر و بد گمانی به خدا ضعف اعتقادی
		پیامدهای روانی	دهشت عقل احساس مرگ و بیهودگی
		پیامدهای اخلاقی	افزایش لغزشها بی‌عفتی و بی‌حیایی انحراف اخلاقی فساد اداری

جدول۵- مقوله‌های محوری بعد پارادایمی پیامدهای فقر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

۸ـ راهبردهای فقر زدایی بر مبنای آیات و روایات

اسلام برای کنترل فقر و فقرزدایی در جامعه راهبردهایی ارایه نموده است. برخی از این راهبردها جنبه فردی و برخی جنبه اجتماعی دارد:

راهبردهای فردی: ریشه فردی فقر در کاهش انگیزه‌های تلاش برای کسب روزی حلال، کاهش اعتماد دیگران برای پیشرفت شغلی و طی مدارج شغلی بالا ؛ و فرصت‌های جدید و بهتر شغلی برای فرد است. بر این اساس در گفتمان اسلامی، امانتداری، پرهیزگاری و استغفار، فروتنی و اخلاق پسندیده، مهاجرت و سفر از جمله راهبردهای فردی انگیزشی و فرصت زا برای پیشرفت شغلی و کاهش فقر است.

در زیر مستنداتی برای راهبردهای فردی فقر زدایی از آیات و روایات ذکر می‌شود:

- دادن صدقه: اذا أملقتم فتاجروا الله بالصدقه؛ هر گاه تنگدست شدید با دادن صدقه با خدای تعالی سودا کنید (شریف رضی،کلمات قصار ۲۵۰)
- دادن صدقه: استنزلوا الرزق بالصدقه؛ روزی را به صدقه دادن فرود آورید (شریف رضی،کلمات قصار ۱۳۲)
- امانت داری: اداء الامانه مفتاح الرزق؛ امانتداری کلید روزی است (ابن ابی الحدید، ۳۱۸/۲۰).
- خوش خلقی: سعه الاخلاق کیمیاء الارزاق؛ کیمیای روزی در خوش اخلاقی است یعنی خوش خلقی باعث فراخی روزی گردد. (ابن ابی الحدید، ۳۱۹/۲۰).
- مهاجرت: در آیه ۱۰۰ سوره نساء به آثار مهاجرت برای آسایش و گشایش در امور زندگی اشاره شده است: «**وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا**» (النساء، ۱۰۰)، «و هر کس در راه خدا (از وطن خویش) هجرت کند در زمین برای آسایش و گشایش امورش جایگاه بسیار خواهد یافت، و هرگاه کسی از خانه خویش برای هجرت به سوی خدا و رسول بیرون آید و در سفر، مرگ وی فرارسد اجر و ثواب چنین کسی بر خداست و خدا پیوسته آمرزنده و مهربان است.»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

بر این اساس مهاجرت یکی از شیوه‌هایی است که می‌توان زمینه‌ها و فرصت‌های جدیدی در اختیار فرد قرار داده و موجب گشایش زندگی او شود و او را در رهایی از فقر کمک کند.

● ازدواج: یکی از نکات مورد توجه اسلام، هراس از ازدواج به خاطر فقر و تبعات منفی آن بر آینده معیشت خانوادگی است. بر اساس آیه ۳۲ سوره نور، فقر، نباید مانع اقدام در امر ازدواج شود. در صورت فقر، به ازدواج اقدام کنید و بر خدا توکّل نمایید. فقر، برای عروس وداماد عیب نیست. خداوند، تأمین زندگی عروس و داماد را وعده داده است و ازدواج، وسیله وسعت و برکت زندگی است. (تفسیر نور، ۱۸۳/۶) «**وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ**» (النور،۳۲) یعنی «و البته باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان شایسته خود را به نکاح یکدیگر درآورید، اگر آن مردان و زنان فقیرند خدا به لطف و فضل خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود و خدا رحمتش وسیع و نامتناهی و (به احوال بندگان) آگاه است.»

بر این اساس بر خلاف تصور، ازدواج می‌تواند عاملی برای گشایش و وسیله وسعت و برکت زندگی باشد. فرد پس از ازدواج انگیزه بیشتری برای تلاش در جهت کسب روزی حلال خواهد داشت و روزنه‌های جدیدی برای روزی در این تلاش به روی زوجین باز خواهد شد.

راهبردهای اجتماعی: علاوه بر راهبردهای فردی، اسلام به راهبردهای اجتماعی از جمله توزیع عادلانه ثروت جامعه، انفاق و صدقه، اطعام فقیر و مسکین در جهت کاهش فقر در جامعه تاکید دارد. برخی از این راهبردها در دستورات اقتصادی اسلام در قالب فروعی مانند خمس و زکات نمود یافته است. آیه ۷ سوره حشر به صراحت به توزیع عادلانه ثروت به عنوان یکی از راهکارهای فقرزدایی اشاره دارد: «**مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ**». یعنی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

«آنچه را خداوند از اهل آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، پس برای خدا و برای رسول و برای خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا (این اموال) تنها میان ثروتمندان شما در گردش نباشد و آنچه پیامبر برای شما آورده، بگیرید و آنچه شما را از آن بازداشته، ترک کنید و از خدا پروا کنید که خداوند، سخت کیفر است». (الحشر، آیه ۷)

در زیر برخی دیگر از مستندات قرانی و روایی راهکارهای فقر زدایی ذکر شده است:

● زکات: زکات مشهورترین واجب مالی در شریعت مقدس اسلامی و از احکام ضروری نزد مسلمانان است. در آیات متعددی که بعضی در مکه و برخی در مدینه نازل شده‌اند از زکات نام برده شده است. خداوند در قرآن کریم وجوب گرفتن زکات را توسط پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بیان کرده می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (التوبه، ۱۰۳) تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی، و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلّی خاطر آنها شود و خدا شنوا و داناست.

و در آیه ای دیگر مصارف آن را بیان نموده می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ». (التوبه ۶۰)

بنابر مفاد این آیه فقیران و مساکین مهمترین مورد مصرف این منبع مالی مهم هستند و این دستور الهی راهکاری اجتماعی در جهت فقرزدایی است.

● خمس: دومین واجب مالی مشهور مسلمانان، خمس است. گرچه در دایره شمول آن میان مذاهب مهم اسلامی اختلاف نظر است. اصل وجوب خمس در مدینه نازل شده، خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (الانفال، ۴۱). و (ای مؤمنان)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

بدانید که هر چه غنیمت و فایده برید خمس آن خاص خدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه سفر ماندگان (از خاندان او) است، اگر به خدا و به آنچه بر بنده خود (محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلم) در روز فرقان، روزی که دو سپاه (اسلام و کفر در جنگ بدر) روبرو شدند نازل کرده‌ایم ایمان آورده‌اید، و خدا بر هر چیز تواناست».

از نکات تفسیری مهم این آیه آن است که اسلام، مالکیّت اشخاص حقوقی را پذیرفته است و محرومیّت زدایی، از برنامه‌های اسلام است و باید از ثمره‌ی جهاد و غنائم به سود فقرا گام برداشت. نشانه‌ی ایمان کامل، خمس دادن است. بعد از بیان ایمان، عبادت، هجرت و جهاد می‌فرماید: لِلّهِ خُمُسَهُ ... إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ ... بنابراین خمس، واجب دائمی مستمرّ است، نه موسمی و موقّت، چون شرط ایمان است. (قرائتی، ۱۳۸۳) و این نشانه عزم دایمی اسلام در فقرزدایی است.

● انفاق: آیه ۱۰ سوره منافقون بر انفاق تاکید دارد: «**وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ**»

و از آنچه روزی شما کرده‌ایم انفاق کنید پیش از آنکه مرگ به سراغ هر یک از شما آید، پس (در آستانه رفتن) گوید: پروردگارا چرا (مرگ) مرا تا مدتی اندک به تأخیر نیانداختی تا صدقه (و زکات) دهم و از صالحان گردم. (المنافقون، ۱۰).

● اطعام فقرا: آیات ۴۳-۴۷ سوره مدثر اطعام فقرا و مساکین در کنار برپایی نماز ذکر شده است. به این معنا که دوزخیان را افرادی توصیف نموده است که به برپایی نماز و اطعام مساکین بی‌تفاوت بوده‌اند: «**قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ**». یعنی گویند: ما از نمازگزاران نبودیم. و افراد مسکین را اطعام نمی‌کردیم و با اهل باطل در سخنان باطل فرو می‌رفتیم. و پیوسته روز جزا را تکذیب می‌کردیم تا آن که مرگ به سراغ ما آمد.(المدثر، ۴۳-۴۷).

در کنار این راهبردها ذکر نکته ای بسیار ضروری است و آن مقاومت در برابر فشارهایی است که دشمنان اسلام در جهت به تسلیم واداشتن مومنان انجام می‌دهند که

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

مهمترین آنها فقر و تنگدستی است. اگر فقر و تنگدستی در نتیجه حفظ آرمانهـای دینـی و عدم پیروی و اطاعت از کفار بوجود آید، در این صورت نباید به خاطر ترس از تنگدسـتی و فقر تن به اطاعت و ارتباط با ذلت به آنها داد؛ چراکه خداوند از فضل خویش مومنـان را بـی نیاز خواهد کرد. این درسی است که آیه ۲۸ سوره توبه به ما داده است: «**يَا أَيُّهَا الَّـذِينَ آمَنُـوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِـيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ**»: ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! قطعاً مشرکان، پلیـد و ناپاکند، پس بعد از این سال نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند و اگر (به خاطر راندن کفّـار و قطع داد و ستد) از فقر و تنگدستی می‌ترسید، پس بـه زودی خداونـد اگـر بخواهـد از فضـل خویش شما را بی‌نیاز خواهد کرد، قطعاً خداوند آگاه و حکیم است. (التوبه ۲۸).

ابعاد پارادایم با محوریت فقر	آیات و روایات مرتبط	مقوله‌های محوری
راهبردهای فقرزدایی	آیات: (الحشر، ۷)؛ (المنافقون، ۱۰)؛ (المدثر،۴۳-۴۷)؛ (التوبه، ۲۸،۶۰،۱۰۳)؛ (النور، ۳۲)؛ (النساء، ۶)؛ (النساء، ۱۰۰)؛ (الانفال، ۴۱) روایات: (شریف رضی، کلمات قصار ۲۵۰)، (شریف رضی، کلمات قصار ۱۳۲)؛ (ابن ابی الحدید، ۲۰/۳۱۸، (ابن ابی الحدید، ۲۰/۳۳۹)، (حرانی، ۲۵۵)، (ابن‌ابی‌الحدید، ۲۰/۲۵۹)، (شریف رضی، خطبه۱۴۳)،	راهبردهای ✓ فردی ✓ اجتماعی

جدول۶- مقوله‌های محوری بعد پارادایمی راهبردهای فقرزدایی

۹ـ بررسی تطبیقی نظریه فقرزدایی اسلام با نظریه‌های متداول فقر

مکاتب غیرالهی نیز تلاش نموده‌اند تا به زعم خود برای مقابله با فقر و فقرزدایی، برنامه و راهکار ارایه نمایند. در هیچ مساله ای مانند فقر و مطرودیت اجتماعی تقابل نظریـه‌هـای سیاسی چپ و راست بارزتر نیست. در این باب پنج نظریه اصلی را می‌توان رصد نمود:

نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی: این نظریه در جناح راست فقـر را پدیـده‌ای رفتـاری یـا بیمارگونه و آسیب شناختی تلقی می‌کند. این نظریه فقر را به تنبلی و بی‌کاره بودن و عوامل ژنتیکی و موروثی منتسب می‌کند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

نظریه فرهنگ فقر: این نظریه در جناح راست به فرهنگ فقر اشاره می‌کند که در چرخه محرومیت از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد. بر این اساس ارزشها و انتظارات اجتماعی که افراد با آنها از دوره کودکی بزرگ می‌شوند آنها را به تنبلی و عدم خلاقیت وا می‌دارد که نتیجه آن فقر است.

نظریه شکست سیاستها: این نظریه به جای سرزنش فقرا به ناکارآمدی سیاستها و نهادها در توزیع درآمدها اشاره دارد.

نظریه محدودیتهای ساختاری: این نظریه در جناح چپ بر محدویتهای ساختاری اشاره دارد. یعنی سرنوشت جامعه عمدتاً از سوی نیروهایی تعیین می‌شود که خارج از کنترل افراد یا گروه ها قرار دارند. در این رویکرد فقر حاصل محدود بودن اقدامات جمعی است. به این معنا که این محدویتها موجب می‌شود همیشه نیازهای ثروتمندان جامعه در اولویت قرار گیرد.

نظریه کارکردگرایی: این نظریه، پالایشی از نظریه محدویتهای ساختاری است که می‌گوید فقر برای سرمایه داری کارکرد دارد. به عبارت دیگر فقر نوعی استراتژی است که وجود دارد تا رفاه سرمایه داری بتواند وجود داشته باشد (فیتزپاتریک، ۱۸۴-۱۹۰).

نظریه فقرزدایی اسلام در مقایسه با پنج نظریه اصلی فقر برتری‌های نظری و علمی دارد. نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی توصیفی فردگرایانه و یا زیست شناختی از فقر ارایه می‌کند؛ در صورتی که در نظریه فقرزدایی اسلام هم بر عوامل فردی و هم عوامل اجتماعی تاکید می‌شود. برای مثال هر چند در عوامل فردی به تنبلی و عدم پشتکار افراد در ایجاد فقر تاکید می‌شود ؛اما همچنین به عوامل اجتماعی ایجاد فقر همانند توزیع ناعادلانه ثروت و انحصار ثروت در دست توانگران و ثروتمندان نیز تاکید می‌شود.

همچنین نظریه فرهنگ فقر علل فقر را به فراموشی می‌سپارد. همچنین بر خلاف تصور این نظریه، فرهنگ وابستگی و تنبلی به صورت فرهنگی غالب و کلی در پژوهش ها مورد تایید قرار نگرفته است. در نظریه فقرزدایی قران هیچ فرهنگی با برچسب تنبل و مولد فقر معرفی نشده است. نظریه قرانی به بسترها و شرایط مداخله گر فقر در دو بعد ساختار و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

عاملیت اشاره دارد. ساختارهای فکری مانند دیدگاه نادرست نسبت به دنیا و آخرت، عدم توجه به رزق مقدر، و وسائط رزق، عدم باور به تقسیم روزی، عدم توجه به حق دیگران در روزی، عدم توجه به آزمون الهی و ساختارهای عملی مانند کفران نعمت‌های الهی، حبس مال و خیانت، و بخل ورزیدن به مال بستری است که زمینه فقر را فراهم می‌کنند. در عاملیت نیز وجود افرادی که با عملکرد خود فقر را تشدید می‌کنند مد نظریه اسلام است. در سطوح بالایی و حاکمیتی عملکرد حاکمان و والیان در ثروت اندوزی ، در سطوح طبقات بالا و متوسط احتکار و ربا خواری و در سطوح پایین جامعه تکدی گری نیازمندان به جای تلاش در جهت کسب روزی حلال به تشدید فقر کمک می‌کنند.

نظریه شکست سیاستها نیز به دلیل در نظر نگرفتن کمبودهای ذاتی فقرا و غفلت از محدودیتهای ساختاری ایجاد کننده فقر در معرض انتقاد است. نظریه فقرزدایی اسلام با درک نیازهای ذاتی فقرا تلاش می‌کند ساختارهایی بنیان بگذارد که فقرا در تله حمایت ناخواسته از ثروتمندان و تشدید فقر خود نشوند.

دیدگاه کارکرد گرایی و محدودیتهای ساختاری به این علت در معرض انتقاد هستند که انفعال و بی تحرکی و جبرگرایی و اعتقاد به تقدیر را تشویق می‌کنند. در صورتیکه نظریه فقرزدایی اسلام با جبرگرایی مخالف است و راهبردهای فردی و اجتماعی اسلام در مبارزه با فقر نیز نشان می‌دهد اسلام انسانها را برای فقرزدایی تشویق و ترغیب می‌کند.

نتایج مقاله

۱ـ این پژوهش جستاری بود در نظریه فقرزدایی قران و روایات که به شیوه پژوهش زمینه‌ای به انجام رسیده است. نتایج این جستار در قالب مدل پارادایمی در نمودار ۱ خلاصه شده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

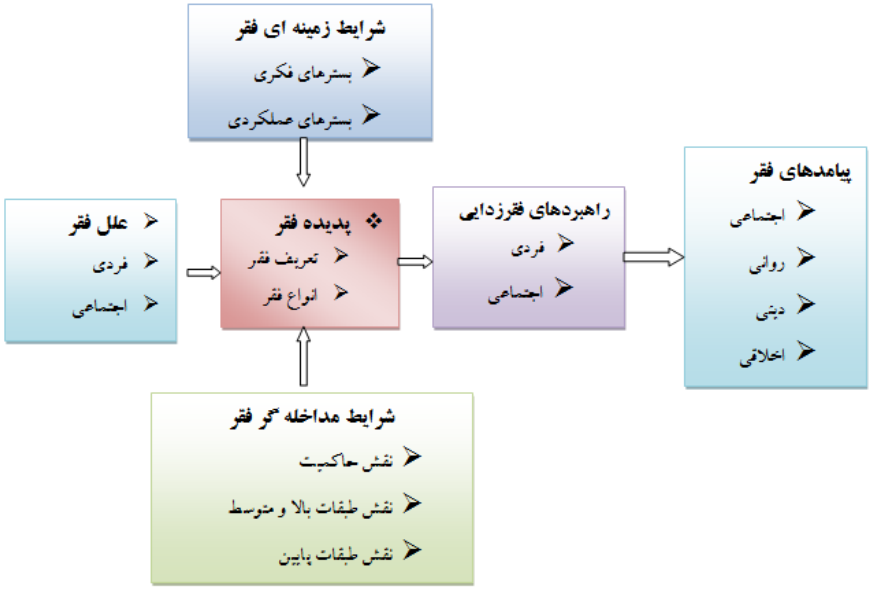

نمودار۱- مدل پارادایمی نظریه فقرزدایی بر اساس قران و روایات

۲ـ از دیدگاه قران و روایات فقر یک پدیده نامطلوب اجتماعی است که با دلایل فردی و اجتماعی نیازمند مبارزه و تلاشی همه جانبه است.

۳ـ تعریف فقر در قران و روایات با وجود شباهت با تعاریف دیگر مکاتب بشری در این اصل مهم که مقابله با فقر با محوریت باور به توحید قرار دارد وخدا غنی و بی نیاز از همه است از تعاریف دیگر متمایز است.

۴ـ در نظریه فقرزدایی قران و روایات به دو دسته علت‌های فردی و اجتماعی در ایجاد فقر اشاره شده است. در این میان تنبلی و عدم پشتکار افراد به عنوان عامل فردی و توزیع ناعادلانه ثروت در میان افراد جامعه و انحصار ثروت در دست توانگران و ثروتمندان به عنوان عوامل اجتماعی اشاره شده است.

۵ـ نظریه اسلام به شرایطی مانند احتکار، ربا خواری، و ثروت اندوزی حاکمان و تکدی‌گری که با دخالت در توزیع عادلانه ثروت در جامعه و کاهش انگیزه‌های تلاش برای کسب روزی به تشدید فقر در جامعه منتهی می‌شود به عنوان شرایط مداخله‌گر اشاره

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

می‌کند. همچنین اشاره می‌شود وقتی بسترهای فکری افراد جامعه بر عدم توجه به آزمونهای الهی و شناخت رزق مقدر، و وسائط رزق و عدم توجه به حق دیگران در روزی استوار باشد عملکرد آنها بر خداباوری متکی نخواهد بود. این تفکر غیرالهی به مساله رزق و روزی موجب اشاعه گناه، کفران نعمت‌های الهی، خیانت، و حبس مال خواهد شد که نتیجه آن گسترش فقر در جامعه است.

۶ـ اسلام برای کنترل فقر و فقرزدایی در جامعه راهبردهایی فردی و اجتماعی ارئه نموده است. در نظریه اسلام برای افزایش انگیزه‌های تلاش برای کسب روزی حلال، اعتماد دیگران برای پیشرفت شغلی و طی مدارج شغلی بالا ؛ و فرصت‌های جدید و بهتر شغلی برای فرد، راهکارهایی اخلاقی چون امانتداری، پرهیزگاری و استغفار، فروتنی و اخلاق پسندیده، و راهبردهای عملکردی مانند مهاجرت و سفر ارایه نموده است. در کنار این راهبردهای فردی، به راهبردهای اجتماعی از جمله توزیع عادلانه ثروت جامعه، انفاق و صدقه، اطعام فقیر و مسکین نیز پرداخته شده است.

۷ـ نظریه فقرزدایی اسلام به پیامدهای فقر در جامعه نیز شامل پیامدهای اجتماعی، اخلاقی، روانی و دینی می‌پردازد. پیامدهای اجتماعی نتیجه آثاری است که فقر در سطح و سبک زندگی فقرا به جا می‌گذارد. بر این اساس فقرا مورد بی‌توجهی، بی مهری و حتی تبعیض قرار گرفته و شان انسانی آنها لگدمال می‌شود.آنها به علت فقدان منزلت اجتماعی دچار آسیبهای مختلف روانی، اخلاقی و دینی می‌شوند. فقر می‌تواند بستری برای روی آورن انسانها به بی عفتی و انحراف اخلاقی باشد. از طرف دیگر کسی که نتواند نیازهای اولیه خود را برآورده سازد از نظر اعتقادی نیز در معرض تهدید است.

۸ـ نظریه فقر ستیزی اسلام در مقایسه با پنج نظریه اصلی فقر یعنی نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی، نظریه فرهنگ فقر، نظریه شکست سیاستها، نظریه محدودیتهای ساختاری و نظریه کارکردگرایی برتری‌های نظری و علمی دارد.نظریه قرانی برخلاف نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی فقط توصیفی یک جانبه مبتنی بر رویکرد فردگرایانه و یا زیست

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

شناختی از فقر ارایه نمی کند؛ رویکرد اسلام چند جانبه و جـامع اسـت و هـم بـر عوامـل فردی و هم عوامل اجتماعی تاکید دارد. این نظریه همچنین بر خلاف نظریه فرهنگ فقر بـه جای برچسب‌زنی فرهنگها به ترویج فرهنگ تنبلی، به بسترها و شرایط مداخله‌گر فقـر در دو بعد ساختار و عاملیت اشاره دارد. نظریه فقر در قران برخلاف نظریه شکست سیاستها با درک نیازهای ذاتی فقرا تلاشی در جهت ایجاد ساختارهای حمایتی از فقرا است که بـدون گرفتار شدن در تله حمایت ناخواسته از ثروتمندان، راهکاری عملی برای فقرزدایـی ارایـه نماید. این رویکرد قرانی به فقر و غنا بـرخلاف دیـدگاه کـارکردگرایی و محـدودیت‌هـای ساختاری رویکرد جبرگرایی و اعتقاد به تقدیر نیست؛ چرا که ارایـه راهبردهـای فـردی و اجتماعی اسلام نشان دهنده عزم جدی گفتمان قرانی در فقرزدایی است. به عبارت دیگر بر خلاف مکاتب بشری، محوریت مکتب اسلام برای حل فقـر بـه عنـوان یکـی از مسـایل و مشکلات اجتماعی، نه حذف فقرا، بلکه مقابله با ذات فقر با شناسایی ریشه‌هـا، بسـترها و عوامل مداخله‌گر آن است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، قم، مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.

۳. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.

۴. اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحکام القرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ اول، بی‌تا.

۵. استراوس، انسلم و کوربین، اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک، محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰،

۶. استراوس، انسلم و کوربین، جولیت، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران، نشر نی، ۱۳۹۵.

۷. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.

۸. حَرّانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ترجمه محمدصادق حسن‌زاده، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.

۹. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، قم، موسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴ق.

۱۰. راغب اصفهانی، حسین، مفردات ألفاظ القرآن، سوریه، دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.

۱۱. زاهدی، محمدجواد، توسعه و نابرابری، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۸۲.

۱۲. سعدی، ابو جیب، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.

۱۳. شریف رضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، قم، انتشارات دارالهجره، ۱۳۷۹.

۱۴. شعیری، تاج الدین، جامع الأخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳.

۱۵. صاحب بن عباد، المحیط فی اللغة، بیروت، عالم الکتاب، ۱۴۱۴ ق.

۱۶. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، خصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.

۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، قم، شریف رضی، ۱۳۷۰.

۱۸. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.

۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

۲۰. فیتزپتریک، تونی، نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران، گام نو، ۱۳۸۱.

۲۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.

۲۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چهارم ، ۱۴۰۷ ق.

۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

۲۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان‌الحکمه، قم، درالحدیث، ۱۳۸۴،

۲۵. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۸ ق.

۲۶. واسطی زبیدی، محب الدین؛ حسینی، سیدمحمدمرتضی، تاج العروس من جواهرالقاموس، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر، ۱۴۱۴ ق.

27. Goulding, C. Grounded Theory, A Practical Guide for Management, Business & Market Researchers, London, Sage Publications, 2002.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.12.2]